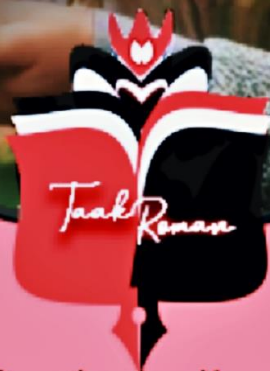




Des by:Lunika ✦



www.taakroman.ir



دیالوگ نویسی: فلورا



نویسنده: ملینا نامور



«منبع تایپ و دانلود: سایت و انجمن تک رمان»



شناسنامه کتاب:

دسته بندی: دیالوگ نویسی

نام اثر: فلورا

نام نویسنده: ملینا نامور

ژانر: عاشقانه - تراژدی

طراح: Lunika ♦

کیبست: Lunika ♦

این کتاب در سایت **تک رمان** آماده شده است

www.taakroman.ir

خلاصه:

خلاصه:

- من عاشق این جهانم!
- چرا؟
- چون پر گله! گل‌هایی که بالاخره یه روز پژمرده می‌شن؛ ولی بازهم کسایی رو دارن که عاشقشون باشه. کسایی رو دارن که بعد از مردنشون دلشون تنگ بشه!
- دنیا پر فلوراست!

- گاهی دوست دارم صدات کنم می فلورا!
 - گل من، گل قشنگ و دوست داشتنی من! خیلی خوبه که هستی، من عاشق صدای
 دلنشینتم!

- بعضی وقتها تو ساکت می مونی تا من بهت بگم گل من؟ این خیلی قشنگه!

- فلورای من، کاش بودی! تو سرچشمه‌ی امیدم رو نابود کردی!
 - گلزار مهربون، همنشین گل‌ها هستی؟
 - زیبارو و لطیف من، دست‌هات لطیف‌ترین پَر از جهانها!

- فلورای من، آدم‌های درونگرا تا چیزی ازشون نپرسی چیزی هم برای گفتن ندارن؛ اما
 من دیگه صدات رو نمی شنوم. فکر کنم نمی خوام چیزی بپرسی؛ ولی من برخلاف
 همیشه کلی چیز دارم که بگم و بگم و بگم...

- فلورای من، گل قشنگ و ناز! لطیف و زیبارو، بعضی وقتها دلم رو سکوت می خواد.
 - پس سکوت کن! بذار صدای غم تمام مردم رو بشنویم، بذار صدای بغض‌های ناتمام
 رو بشنویم. که شاید زندگی مثل بوی گل زود بگذره. وقتی گل پژمرده بشه دیگه نه
 بویی هست نه لطافت و زیبایی!

- فلورای من، امواج موهات زیباترین دریای بی کرانه! صدات نجوای عاشقونه‌ی ماه برای
 خورشیده!

-این همه زیبایی فقط می تونه برای یه فرشته‌ی زمینی باشه!

-فلورا! نیازه که باز هم از دلتنگی هامون بگم؟ از کاش‌هایی که دیگه هیچ وقت نخواهند وجود داشت!

-کاش میشد برگردیم قدیم‌ها!

-سنگینی دلتنگی، روی شونه‌هام حس میشه؟ نمی‌دونم؛ فقط دیگه دلم نمی‌خواد بهت فکر کنم!

-می‌خوام فرار کنم!

-گلزار عزیز چند صبحی میشه دست به قلم نبردم و درباره تو نوشتم. چند صبحی میشه بهت فکر نکردم. چند صبحی میشه که فرار کردم! فقط و فقط فرار کردم. از تمام چیزهایی که آخرش تویی! بوی تو، دست تو، صدای تو و... فقط فرار می‌کنم از تمام حس‌های تو.

-فلورای عزیزم، خوش‌بوترین رایحه‌ی زندگی این سال‌ها برای بعضی از گلزارها پر از درده؛ ولی برای بعضی‌هاشون پر خوشبختی، دقیقاً نمی‌دونم، فکر کنم بازی زندگیه نه؟

-بازی زندگی؟ به نظرم حتی درد و رنجش هم قشنگه. حداقل از دور!

-تو گلی دیگه، این رو نگی چی بگی؟

-گلزار یا فلورا؟

-مسئله اینه؟

-آره، وقتی دوتاش یه معنی رو داره چه فرقی می‌کنه کدوم باشه؟ مگه توی زیبایی صورت و باطن تو تغییری ایجاد میشه؟ تو همیشه‌ی همیشه، گل قشنگ من می‌مونی.

-حس شازده کوچولو رو دارم.

-گلت رو گم کردی؟

-نه! این جاست؛ اما انگار نیست. آخه نمی‌تونم نازش رو بکشم. تهی‌ام، سرد!

-گل قشنگ و ناز، مهربون‌ترین فرشته، اجازه دارم خاطراتت رو توی مغزم بین دشت لاله‌ها دفن کنم؟

-گلیار مهربون؛ مثل همیشه فلورای ناز!

-فلورای عزیزم، من هنوزم پیش خودم دارم. شاید نهان نباشه؛ اما تو همیشه‌ی همیشه توی قلبم می‌مونی.

-هیچوقت خاطراتت از دشت لاله‌ها توی اتاقک‌های مغزم فرار نمی‌کنه!
برای تو!



این فایل در سایت **تک رمان** تایپ و منتشر شده است. هرگونه کپی برداری پیگرد قانونی دارد.

برای منتشر کردن آثار خود به سایت **تک رمان** مراجعه کنید.

TaakRoman.IR

Forums.TaakRoman.IR

